گزارش یک

سعیده زمانی

افزایش اختیارات استانداران برای مدیریت بازار مسکن

رفع موانع تولید می‌تواند به صعود دوباره روند سرمایه‌گذاری‌های ساختمانی منجر شود

در راستای ساماندهی بازار مسکن و اتخاذ تصمیمات همگون در این حوزه، سیاستگذار به دنبال آن است تا با تشکیل قرارگاه مسکن به تصمیمات پراکنده در این بخش پایان دهد. در این راستا کمیسیون عمران مجلس از طرحی برای افزایش اختیارات استانداران در راستای مدیریت بازار مسکن خبر داده است.

افزایش قیمت مسکن از مجموعه عواملی نشئت می‌گیرد. بخشی از این گرانی‌های بی‌رویه به انتظارات تورمی، بخشی به وضعیت اقتصاد کلان و عوامل غیراقتصادی و برخی دیگر به مجموعه سیاست‌هایی بازمی‌گردد که منجر به ناهمخوانی عرضه و تقاضا می‌شود.

در چند هفته اخیر گزارش‌های متعددی از افزایش قیمت مسکن گزارش شده است. نکته مهم در این آمارها این است که میان شاخص قیمت پیشنهادی فروشنده‌ها و آماریکه از معاملات قطعی اعلام می‌شود، فاصله قابل توجهی وجود دارد؛ فاصله‌ای که می‌تواند تصویر بازار را مبهم‌تر کند. بر این اساس در شرایطی که بازار مسکن بیش از هر زمان دیگری به داده‌های شفاف نیاز دارد، نبود انتشار منظم آمار رسمی، باعث شده روایت‌های مختلفی از میزان رشد قیمت‌ها شکل بگیرد.

اما روایت رسمی دولت از بازار معاملات آپارتمان نیز که اخیراً در گزارشی منتشر شد، حکایت از آن دارد، که اگرچه فایل‌های فروش آپارتمان با قیمت‌های بالا عرضه می‌شود، اما در واقعیت بازار معاملات اتفاق متفاوتی رقم می‌خورد؛ به این معنا که سطح قیمت مسکن پایین‌تر از قیمت‌های پیشنهادی ثبت‌شده در آگهی‌های پلتفرم‌های مجازی است. در مجموع با همه این موارد افزایش قیمت مسکن موضوعی است که در بازار مشهود است.

در راستای مدیریت عرضه و تقاضا یکی از اقدامات مهم تسهیلات‌دهی بانک‌ها چه در حوزه ساخت‌وساز و چه در حوزه خرید مسکن است. مبلغ وام مسکن در حال حاضر در مقایسه با افزایش قیمت‌ها بخش ناچیزی از خرید خانه را پوشش می‌دهد. از سوی دیگر بانک‌ها نیز به تعهدات قانونی خود در زمینه وام‌دهی در خرید و به ویژه ساخت‌وساز به درستی عمل نمی‌کنند.

بررسی‌ها از روند ورود سرمایه به بازار ساخت‌وسازهای تهران نشان می‌دهد، میزان سرمایه‌گذاری در سال ۱۴۰۳ به قیمت‌های ثابت، فقط یک درصد نسبت به سال ۸۵ رشد کرده است.

در همین ارتباط نایب‌رئیس کمیسیون عمران مجلس شورای اسلامی با انتقاد از ناهماهنگی دستگاه‌های اجرایی و عدم پرداخت تسهیلات مسکن ازسوی بانک‌ها، بر لزوم تشکیل «قرارگاه مسکن» ازسوی دولت و افزایش اختیارات استانداران برای رفع مشکل عدم تعادل عرضه و تقاضا تأکید کرد.

عباس صوفی در ارزیابی دلایل افزایش قیمت مسکن می‌گوید: جو روانی ناشی از اتفاقات اخیر در کنار عدم تعادل همیشگی در عرضه و تقاضا، موجب نوسانات بازار مسکن شده است. تولید مسکن ناکافی بوده و همین امر باعث می‌شود با کوچک‌ترین تکانه‌ها و جو روانی، شاهد التهاب در بازار مسکن باشیم.

تسهیلات بانکی راهکار تقویت عرضه و تقاضای مسکن

نایب‌رئیس کمیسیون عمران مجلس با تأکید بر لزوم اجرای قانون برنامه هفتم و همچنین قانون جهش تولید مسکن و واگذاری زمین به مردم می‌افزاید: برای تسریع در روند ساخت مسکن ملی، باید اختیارات استانداران افزایش یابد تا بتوانند بر اساس شرایط هر استان تصمیم‌گیری کنند. همچنین دولت باید نرخ تسهیلات بانکی را افزایش و شیوه پرداخت را تسهیل کند.

صوفی با انتقاد از بخشی‌نگری در دستگاه‌های اجرایی تصریح کرد: متأسفانه بانک مرکزی، وزارت اقتصاد و وزارت راه و شهرسازی هرکدام جداگانه و به صورت بخشی عمل می‌کنند، در حالی که دولت و شورای عالی مسکن باید به صورت یکپارچه پای کار بیایند.

در این فضا عده‌ای نیز در حال سوءاستفاده از شرایط جامعه هستند.

او با اشاره به بررسی وضعیت مصالح ساختمانی در نشست‌های کمیسیون عمران بیان کرد: در حوزه تأمین فولاد و سیمان هیچ مشکلی نداریم و التهابات مربوط به تأمین ورق‌های فولادی نیز با جلوگیری از صادرات برطرف شده است. با این حال، بانک‌ها در پرداخت تسهیلات و وام ودیعه مسکن عملکرد بسیار ضعیفی دارند و به تعهدات خود عمل نمی‌کنند.

لزوم تمرکززدایی در تصمیم‌گیری مدیریت بازار مسکن

شهین جهانگیری، عضو دیگر کمیسیون عمران مجلس نیز با اشاره به نوسانات اخیر قیمت‌ها در بازار مسکن می‌گوید: بخش قابل توجهی از تلاطماتی که امروز در بازار مسکن مشاهده می‌شود، ارتباط مستقیمی با مؤلفه‌های بنیادین اقتصاد ندارد؛ بلکه این انتظارات تورمی ناشی از شرایط کلان اقتصادی و سیاسی کشور است، که بر این بازار سایه انداخته و جو روانی خاصی را به وجود آورده است.

او با بیان اینکه بازار مسکن به عنوان یکی از ارکان مهم اقتصاد کلان همواره از این فضاسازی‌ها متأثر می‌شود، می‌افزاید: ما در آستانه فصل نقل‌وانتقالات و جابه‌جایی مستأجران قرار داریم و نباید اجازه دهیم این جو روانی کاذب و قیمت‌سازی‌های غیرواقعی، معیشت مردم را با چالش‌های جدی مواجه کند و بار مضاعفی بر دوش مستأجران بگذارد.

جهانگیری تصریح کرد: برای عبور از این شرایط، شورای عالی مسکن باید هرچه سریع‌تر تشکیل جلسه داده و با اتخاذ تصمیمات قاطع، مدیریت بازار مسکن را به طور کامل در دست بگیرد. رها کردن بازار در این مقطع حساس و واگذاری آن به دست دلالان به هیچ وجه پذیرفتنی نیست.

او بر لزوم تمرکززدایی در تصمیم‌گیری‌ها تأکید و خاطرنشان کرد: بر اساس «قانون ساماندهی بازار زمین، مسکن و اجاره‌بها»، استانداری‌ها باید متناسب با شرایط بومی، عرضه و تقاضا و التهابات محلی خود، بر روند بازار نظارت کرده و التهابات را به نفع مردم مهار کند.

عضو کمیسیون عمران مجلس تأکید کرد: اعضای کمیسیون عمران نیز وضعیت بازار را با دقت رصد کرده و به زودی در نشستی با مسئولان وزارت راه و شهرسازی، موضوع را کاملاً مورد بررسی قرار می‌دهیم. دولت به لحاظ قانونی هیچ مشکلی برای ورود به بازار و مدیریت آن ندارد و مجلس برای تمامی شرایط پیش‌بینی و ریل‌گذاری کرده است. ما معتقدیم اجرای دقیق قوانین موجب کاهش التهابات موجود در بازار مسکن شده و فشار گرانی را بر دوش مردم کم می‌کند.

رفع موانع تولید می‌تواند به بهبود عرضه منجر شود

کارشناسان تأکید دارند که رفع موانع تولید می‌تواند به صعود دوباره روند سرمایه‌گذاری‌های ساختمانی تا سطحی که بازار و فعالان این صنعت به تشخیص برسند، منجر شود.

یک کارشناس حوزه مسکن نیز با اشاره به ضرورت افزایش عرضه زمین از سوی دولت گفت: باید توجه داشت که بیش از ۶۰ درصد قیمت نهایی مسکن مربوط به ارزش زمین است و هزینه مرتبط با ساخت تنها حدود ۴۰ درصد آن را شامل می‌شود؛ بنابراین، توجیه افزایش ۷۰ تا ۸۰ درصدی قیمت مسکن به بهانه گرانی مصالح، کاملاً غیرمنطقی است.

علی نوین عرضه زمین را اورژانسی‌ترین اقدام برای حل بحران مسکن خوانده و می‌افزاید: دولت باید با عملیاتی کردن قانون الحاق دو دهم درصد به محدوده شهرها و واگذاری زمین رایگان به دهک‌های نیازمند، مطابق با برنامه هفتم، دست واسطه‌گران و محتکران را کوتاه کند، تا تعهدات قانون جهش تولید مسکن و نهضت ملی مسکن با قیمت مناسب به سرانجام برسد.

گزارش ۲

زینب زرین

اتفاق جدیدی برای تولید، توزیع یا قیمت برق خانگی نیفتاده است

سازوکار گرانی برق زیر نور افکن

نادیا محرابی، کارشناس انرژی در گفت‌وگو با «جوان»: یکی از اقدامات اساسی در زمینه اصلاح و بهینه‌سازی مصرف، واقعی کردن قیمت برق برای مشترکان خارج از الگوی بهینه است

منطبق بر اجرای بند ب ماده ۴۳ قانون برنامه هفتم پیشرفت، صرفاً امکان خرید برق از بورس برای مشترکان بخش خانگی فراهم شده است که نه تنها افزایش هزینه‌ای برای مردم پیش‌بینی نشده، بلکه با افزایش بهره‌وری در زنجیره تأمین، امکان کاهش هزینه‌های برق مصرفی نیز وجود دارد. همچنین دولت از فرایند تأمین برق خارج نخواهد شد و همچنان نقش تضمین‌کننده تحویل برق به فعالان این حوزه را بر عهده دارد و مشترکانی که تمایلی به ورود به این فرایند نداشته باشند، همچنان می‌توانند تحت پوشش دولت باقی بمانند و بخش خانگی را مشمول نمی‌شود.

یکی از نکات کلیدی در زمینه توسعه صنعت برق کشور، مسئله مربوط به توسعه صنعت برق و خارج کردن این صنعت از قیمت‌گذاری دستوری و ایجاد جذابیت برای خرید و فروش برق در بازاری مستقل و مبتنی بر نیاز صنایع و صادرکنندگان بخش انرژی است. مبتنی بر همین رویکرد نیز در بند ب ماده ۴۳ قانون برنامه هفتم پیشرفت، زمینه لازم برای خروج دولت از صنعت و بازار برق فراهم شود. به این ترتیب، دولت زمینه فعالیت بیشتر بخش خصوصی و از بین بردن قیمت‌گذاری دستوری برای مصارف خارج از الگوی بهینه مصرف را فراهم خواهد کرد.

نکته بسیار مهم این است که هیچ تغییری در قیمت انرژی مشترکان درون الگوی بهینه مصرف ایجاد نخواهد شد و در مدل کلان‌تر، شاهد تخصیص اعتبار مشخص برق به هر نفر با قیمت یارانه‌ای نیز خواهیم بود، که در ادامه، مردم اختیار مصرف و به دست آوردن رفاه از مصرف برق یارانه‌ای یا صرفه‌جویی و به دست آوردن رفاه از فروش و منفعت مالی حاصل از بهینه‌سازی مصرف برق یارانه‌ای را خواهند داشت.

به این ترتیب، مشترکان بخش صنعتی، صادرکنندگان برق و همچنین مشترکان پرمصرف در رقابتی نزدیک، باید مصرف بهینه‌شده هر خانواده را در بورس انرژی خریداری کنند. در این بین، به مانند شرکت‌های کارور گاز که به سراغ نوسازی تجهیزات بخش خانگی و تجاری می‌روند و از محل صرفه‌جویی گاز، نفع مالی و گواهی صرفه‌جویی انرژی دریافت می‌کنند؛ در اینجا نیز طبق اعلام بهروز احمدی حدید، مدیر دفتر معاملات خارج از بازار برق، بیش از ۱۵۰ شرکت خرده‌فروشی مجوز لازم برای حضور در این بازار را دریافت کرده‌اند تا موجب افزایش رقابت میان بازیگران بازار برق و کشف قیمت واقعی در بورس شود. در این سازوکار مشترکان می‌توانند متناسب با الگوی مصرف خود، شرکت مورد نظرشان را برای تأمین برق انتخاب کنند یا اینکه از ابزارهای موجود برای بهینه‌سازی و صرفه‌جویی بهره ببرند.

همچنین احمدی در ادامه خاطرنشان کرد که منطبق بر اجرای بند ب ماده ۴۳ قانون برنامه هفتم پیشرفت، صرفاً امکان خرید برق از بورس برای مشترکان بخش خانگی فراهم شده است که نه‌تنها افزایش هزینه‌ای برای مردم پیش‌بینی نشده، بلکه با افزایش بهره‌وری در زنجیره تأمین، امکان کاهش هزینه‌های برق مصرفی نیز وجود دارد. همچنین دولت از فرایند تأمین برق خارج نخواهد شد و همچنان نقش تضمین‌کننده تحویل برق به فعالان این حوزه را بر عهده دارد و مشترکانی، که تمایلی به ورود به این فرایند نداشته باشند، همچنان می‌توانند تحت پوشش دولت باقی بمانند.

بنابراین مشترکان بخش خانگی تا الگوی بهینه مصرف، هیچ نگرانی‌ای بابت تولید، انتقال و توزیع برق خود نخواهند داشت و صرفاً مشترکان با سطح مصرف بالا نظیر صنایع، شبکه‌های توزیع برق، شهرک‌های صنعتی و مشترکان پرمصرف هستند که مبتنی بر این رویکرد وظیفه خرید برق را در این مدل خواهند داشت و اصلاً مشمول بخش خانگی نخواهد شد. بین ۱۵۰ کیلووات و ۱۵۰ کیلووات ساعت فرق است، ولی فرق این موضوع را استاد فرهنگی دانشگاه یا عضو کمیسیون فرهنگی مجلس نمی‌دانند و اصلاً این مصوبه بخش خانگی را شامل نخواهد شد.

سازوکار گرانی قیمت برق

نادیا محرابی، کارشناس انرژی در گفت‌وگو با «جوان» در رابطه با سازوکار ایجاد شده در بخش بورس انرژی گفت: یکی از اقدامات مهم و اساسی در زمینه اصلاح و بهینه‌سازی مصرف، واقعی کردن قیمت برق برای مشترکان خارج از الگوی بهینه است که در بخش گاز در سال گذشته انجام شده است و زمینه اجرای این موضوع در بخش گاز نیز وجود دارد. مهم‌ترین اقدام نیز در این بخش این است، که دولت دیگر وظیفه تأمین و تولید برق خارج از الگوی بهینه را نداشته باشد، تا مشترکانی که مصرف‌شان بسیار بیشتر از الگوی بهینه مصرف است و در پلکان بسیار پرمصرف قرار می‌گیرند، یا به سمت تولید برق از طریق سرمایه‌گذاری در نیروگاه‌های سقفی خانگی بروند یا از طریق بورس انرژی اقدام به خریداری برق مازاد بر الگوی بهینه مصرف داشته باشند.

وی ادامه داد: این رویکرد مبتنی بر اجرای فاز نهایی تعرفه‌گذاری پلکانی مؤثر مشترکان پرمصرف در حال اجرایی شدن بود و با اقدام اخیر دولت نیز وارد فاز جدیدی شده است. دولت وظیفه دارد که برق و گاز مشترکان درون الگوی بهینه مصرف را تأمین کند و در زمینه بهره‌وری در مصرف نیز می‌تواند با رویکرد شرکت‌های مشاور به خانواده‌ها و ظرفیت گواهی صرفه‌جویی انرژی، مصرف این مشترکان را پایین‌تر نیز بیاورد، ولی برای مشترکان خارج از الگوی بهینه مصرف، باید وظیفه تأمین و تولید و خریداری برق از تولیدکنندگان برق در سرتاسر کشور بر عهده خود مشترک پرمصرف باشد و به این ترتیب، الگوی بهینه مصرف باید حتماً در مصوبه هیئت وزیران مدنظر قرار گیرد.

این کارشناس انرژی با اشاره به اختیاری بودن این طرح گفت: در متن مصوبه هیئت وزیران مشترکان بالای ۱۵۰ کیلووات عنوان شده است که مشترکان بخش خانگی را شامل نخواهد شد. همچنین تا زمان اجرای طرح اعتبار انرژی به هر کد ملی مبتنی بر ایده انرژی به هر نفر، این مشترکان با مصارف درون الگوی بهینه یا نزدیک به آن، کاملاً دولتی خواهند ماند و صرفاً مشترکان صنعتی و شهرک‌های صنعتی مشمول اجرای این بند می‌شوند و پیشنهاد ما این است که مشترکان بسیار پرمصرف نیز به این موضوع اضافه شوند، تا شاهد ایجاد سازوکار جدید تأمین برق ازسوی این واحدها باشیم؛ البته لازم به ذکر است که برای مشترکان ذکر شده در بالا یعنی مشترکان صنعتی و تجاری و همچنین مشترکان خانگی پرمصرف نیز قیمت با حالت تأمین برق دولتی تفاوتی ندارد و صرفاً اپراتور عملیاتی تولید و تأمین برق از حالت دولتی به حالت خصوصی تبدیل خواهد شد که قطعاً بهره‌وری بیشتری نیز خواهد داشت.

وی در پایان گفت: وضعیت فعلی صنعت برق با مشکلات جدی در زمینه سرمایه‌گذاری روبه‌روست، ولی تأمین برق در این شرایط مهم‌تر از قیمت پایین برق است و برای ترغیب به سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در این حوزه، مصوبه اجرای بند ب ماده ۴۳ قانون برنامه هفتم پیشرفت، که اخیراً ازسوی هیئت وزیران مصوب شده است، برای مشترکان صنعتی و تجاری و همچنین مشترکان خانگی پرمصرف بسیار مناسب و کارآمد است و کل موضوع نیز مصوبه مجلس است و صرفاً دولت به اجرای این بند قانون برنامه هفتم پیشرفت آمده است و قرار نیست گران شدن قیمت اتفاق بیفتد و برخی نمایندگان از کمیسیون‌های فرهنگی و اجتماعی مجلس بدون هیچ تجربه و تخصصی، متأسفانه به دنبال ایجاد تشویش در اذهان عمومی مردم هستند که اصلاً قابل قبول نیست.

یادداشت

برای تأمین هزینه‌های بازسازی آسیب‌های جنگ؛

لزوم خروج ایران از صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی

محمدتقی طاهری*

با توجه به هزینه‌های اقتصادی ناشی از جنگ و نیاز به بازسازی کشور، ضرورت دارد کشور با خروج منابع ارزی خود در نهادهای بین‌المللی از جمله صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی، عضویت بی‌فایده در این نهادها را متوقف نماید.

در جنگ تحمیلی سوم دشمن امریکایی و صهیونیستی، هزینه‌هایی ناشی از تخریب زیرساخت‌ها، کاهش ظرفیت‌های تولیدی و همچنین تأمین تجهیزات و تسلیحات دفاعی بر کشور تحمیل شده است. در چنین شرایطی، تأمین منابع مالی لازم برای بازسازی کشور و تقویت توان دفاعی از اولویت‌های اساسی است. یکی از روش‌های قابل بررسی برای تأمین این منابع، آزادسازی دارایی‌ها و منابع مالی جمهوری اسلامی ایران در نهادهای مالی و پولی بین‌المللی است. در این میان، صندوق بین‌المللی پول (IMF) و بانک جهانی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای مالی بین‌المللی، سالانه مبالغ قابل توجهی را تحت عنوان سهمیه و حق عضویت از کشورهای عضو دریافت می‌کند و جمهوری اسلامی ایران نیز از اعضای این دو نهاد به شمار می‌رود. حق برداشت ویژه (SDR) ایران در نزد صندوق بین‌المللی پول، که همان سرمایه ایران در این نهاد را نشان می‌دهد، ۵/۰۴میلیارد دلار است. با توجه به شرایط اقتصادی و تحولات جدید منطقه‌ای و بین‌المللی، ضرورت دارد موضوع تداوم عضویت ایران در این صندوق و بازگرداندن دارایی‌های کشور از آن، با توجه به دلایل زیر مورد بررسی و تجدیدنظر قرار گیرد:

۱. باوجود درخواست‌های مکرر جمهوری اسلامی ایران، تاکنون کمک مؤثری از سوی نهادهای مالی بین‌المللی به کشور ارائه نشده است. یکی از بارزترین نمونه‌ها مربوط به درخواست کمک ایران در دوران شیوع ویروس کرونا بود؛ دوره‌ای که ایران برای تأمین و خرید واکسن خارجی از صندوق بین‌المللی پول درخواست دریافت وام و حمایت مالی کرد، اما این درخواست‌ها عملاً به نتیجه نرسید و منابع مورد نیاز در اختیار کشور قرار نگرفت. بنابراین ادامه پرداخت سهمیه و نگهداری بخشی از دارایی‌های ارزی کشور در این صندوق، با رویکرد کلان اقتصادی کشور همخوانی کامل ندارد.

۲. این نهادهای مالی بین‌المللی معمولاً در قبال ارائه کمک‌ها و تسهیلات مالی به کشورها، مجموعه‌ای از توصیه‌ها و الزامات سیاستی اقتصادی را نیز به دولت‌های دریافت‌کننده تحمیل می‌کنند. تجربه بسیاری از کشورها نشان داده است، که اجرای بخشی از این سیاست‌ها، به‌ویژه در اقتصادهای در حال توسعه، در اغلب موارد موجب بروز چالش‌های جدی اقتصادی و اجتماعی شده است. در ایران نیز پس از پایان دفاع مقدس، نهادهایی مانند سازمان برنامه و بودجه و همچنین بخش قابل توجهی از مدیران، مسئولان و مشاوران اقتصادی دولت‌ها، در تدوین و اجرای سیاست‌های اقتصادی متأثر از الگوها و توصیه‌های مطرح‌شده از سوی این نهادهای بین‌المللی عمل کرده‌اند. از نگاه منتقدان، بخشی از مشکلات و وضعیت کنونی اقتصاد ایران، نتیجه اجرای همین سیاست‌ها و رویکردهای اقتصادی در دهه‌های گذشته است. در مقابل، برخی کشورها مانند چین که توصیه‌های سیاستی این نهادها را اجرا نکرده‌اند، به رشد و شکوفایی اقتصادی رسیده‌اند.

۳. با توجه به طلیعه نظم جدید جهانی و نقش‌آفرینی جدید در آن، اساساً موجودیت و کارکرد این نهادها غیرمؤثر و ناکارآمدتر خواهد شد. بنابراین حضور ایران در چنین نهادهایی، که در بلوک غرب تعریف می‌شود، صرفاً به معنای پرداخت هزینه از جیب مردم است.

۴. در شرایطی، که کشور تحت تحریم‌های ظالمانه یک‌طرفه امریکاست، عملاً امکان استفاده از حق خود برای دریافت کمک‌های مالی در نهادهای مذکور وجود ندارد. به علاوه ایران نه تنها تاکنون از عضویت در این نهادها منتفع نشده است، بلکه حق رأی در آن نیز عملاً فاقد کارایی است و کشور از آن نمی‌تواند برای اهداف سیاسی و تجاری خود با سایر کشورها نفعی ببرد.

۵. ایران می‌تواند پولی را که به عنوان حق عضویت به این نهادها پرداخت می‌کند و ازسوی این نهادها در قالب وام در اختیار کشورها قرار می‌گیرد، به صورت مستقیم به کشورهای هدف بدهد و در مقابل از آنها امتیاز سیاسی و اقتصادی بگیرد.

بر این اساس و با توجه به نیاز کشور به منابع برای بازسازی زیرساخت‌ها، جبران خسارات جنگ و تقویت ظرفیت‌های اقتصادی و دفاعی، ضروری است ایران با خارج شدن از این نهادها اولاً از پرداخت حق عضویت در سال‌های آینده خودداری کند و ثانیاً با فروش سهام خود به کشورهای دیگر، بخشی از نیازهای ارزی کشور را تأمین کند

*کارشناس اقتصادی